

## ریشه‌های تساهل در اندیشه‌های مدنی و اخلاقی «اخوان‌الصفاء»

محمد رضا احمدی طباطبایی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۰۲

### چکیده

تساهل یکی از وجوه برجسته اندیشه‌ها و آموزه‌های جمعیت «اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفا» (دوستان صمیمی و باوفا) که حدود هزار سال پیش در دوران شکوفایی تمدن اسلامی ظاهر شدند محسوب می‌شود. تساهل و مدارای اخوان در پژوهش‌هایی که درباره آنان در داخل و خارج از کشور انجام شده و مورد توجه قرار گرفته اما ریشه‌های این رویکرد اخوان که قرن‌ها قبل از مطرح شدن این مباحث در غرب ظهور و بروز یافته، مغفول واقع شده است. در این پژوهش تلاش برای بازشناسی ریشه‌ها و آبخورهای این وجه برجسته فکری آنان به عمل آمده است. در این مقاله کوشش شده ضمن معرفی اجمالی این نحله فکری و کمتر شناخته شده به این پرسش نوآورانه پاسخ داده شود که ریشه‌ها و عوامل تساهل اخوان‌الصفاء از چه مصادره و منابعی سرچشمه گرفته است؟ لازم به ذکر است که از روش توصیفی و تفسیر متون در این پژوهش استفاده شده است.

### واژگان کلیدی

تساهل، اندیشه‌های مدنی و اخلاقی، اخوان‌الصفاء، عرفان

## مقدمه

تساهل و مدارا در مواجهه با عقاید و باورهای دیگران و همچنین آموزه‌های مکاتب مختلف از پیامدهای تحولات فکری بشر در غرب از قرن هجدهم به بعد محسوب می‌شود، اما در مشرق زمین و در دوره شکوفایی تمدن اسلامی، جمعیتی شیعه و نواندیش حدوداً ده قرن پیش به نام «اخوان‌الصفاء و خلّان‌الوفا» که آموزه‌های خود را در دایرة‌المعارفی به نام «الرسائل» گردآوری کردند از مدافعان جدی اندیشه تساهل و مدارا نسبت به باورها، عقاید، مکاتب و آموزه‌های فکری و مذهبی نحله‌های دیگر قلمداد می‌شدند. درباره آموزه‌های اخوان پژوهش‌هایی در حوزه‌های مختلف از سوی متفکران اسلامی و خاورشناسان به عمل آمده و نگارنده نیز در دو مقاله به نسبت میان اندیشه‌های سیاسی و اخلاقی اخوان و همچنین سوگیری‌های آنان در دفاع از طبیعت و محیط زیست که امروزه در کانون توجه افکار عمومی جهانی است، پرداخته است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۹، فصل اول و ۱۳۹۲، صص ۱-۲۴). همچنین پژوهش‌هایی در بازشناسی اندیشه عمومی اخوان با تلخیص رسائل و همچنین تبیین اندیشه‌های سیاسی اجتماعی ایشان صورت پذیرفته که در سال‌های گذشته در اختیار دانش‌پژوهان به‌ویژه علاقه‌مندان به احیاء تفکر بومی اسلامی قرار گرفته است (حلی، ۱۳۸۰ و دلاوری، ۱۳۸۴).

در این مقاله با رویکردی، که نوآوری این تحقیق شمرده می‌شود، تلاش شده ریشه‌های تساهل و مدارا در آموزه‌های اخوان، چه در استفاده از منابع دینی دیگران و چه در استفاده از علوم عقلی و فلسفی مکاتب مختلف و همچنین در رویکرد عملی آنان در مواجهه با عقاید و مکاتب دیگر، مورد مذاقه و بازشناسی قرار گیرد. از این‌رو جهت‌گیری این پژوهش با پژوهش‌های دیگر انجام‌شده درباره اخوان توسط نگارنده و پژوهشگران دیگر، متفاوت و متمایز می‌گردد. این رویکرد که چه عواملی این گروه را حدود هزار سال قبل به اندیشه تساهل و مدارا در جهان اسلام رهنمون ساخت نوآوری و پژوهشی جدید در این حوزه و در بازشناسی میراث فکری برجای‌مانده در تمدن اسلامی و ایرانی محسوب می‌شود.

برادران باصفا و دوستان (صمیمی) باوفا «اخوان‌الصفاء و خلّان‌الوفا» به جمعیتی فاضل، فیلسوف و نواندیش و دوستدار تجمیع علوم و دانش‌های مختلف با گرایش‌های اخلاقی و عرفانی اطلاق می‌شود که در سده‌های سوم و چهارم هجری اسلامی می‌زیستند. این جمعیت

به دلایل گوناگون که در این مقال مجال پرداختن به آن وجود ندارد، جمعیتی سرّی و مخفی بودند و پیروان خود را از میان جوانان مستعد و هوشمند و با روش‌های خاص و غیرعلنی انتخاب و آنان را تعلیم می‌دادند و در جهت اهداف خاص خود تربیت می‌کردند. اخوان الصفا اندیشه‌ها و آموزه‌ها یا به بیانی دقیق‌تر دایرةالمعارف خود را در مجموعه کتبی به نام «الرسائل» گردآوری کردند. رسائل اخوان مشتمل بر پنجاه و دو فصل است. از آنجاکه فعالیت این جمعیت سرّی و غیرعلنی بوده و به‌منظور دور ماندن از گزند دستگاه خلافت عباسی نام نویسندگان رسائل، زمان تدوین، اهداف، اغراض و گرایش‌های مذهبی آنان همواره در هاله‌ای از ابهام قرار داشته است. البته در کتب تراجم اسامی افرادی به‌عنوان تدوین‌کنندگان رسائل آمده است. لازم به ذکر است که ایرانیان در تشکیل و هدایت این جمعیت دست داشته‌اند. ذکر برخی اسامی ایرانیان در میان تدوین‌کنندگان رسائل و وجود سی و چند شعر به زبان پارسی در رسائلی که تمام آن به زبان عربی است، به‌خوبی دخالت ایرانیان را در شکل‌گیری این جمعیت نشان می‌دهد. جمال‌الدین قفطی در «اخبارالحکما» به نقل از ابوحنان توحیدی این رسائل را به جمعی از عالمان و متفکران در بصره منسوب دانسته و از «ابوسلیمان محمد بن معشر بستی»، «ابوالحسن علی بن هارون زنجانی»، «ابوالحمد مهرجانی (نهرجوری)»، «عوفی» و «زید بن رفاعه» به‌عنوان نویسندگان رسائل یاد کرده است (حلبی، ۱۳۸۰، ص ۳۳). شهرزوری نیز در «نزهة الارواح و روضة الافراح» از افراد یادشده به‌عنوان تدوین‌کنندگان «رسائل» نام برده است (شهرزوری، ۱۳۶۵، ص ۳۶۸). بدیع‌الزمان فروزانفر نیز با توجه به نظر ابوحنان توحیدی در رساله «الامتناع و المؤانسه» و همچنین «ابن العبری» در رساله «مختصرالدول» بر این باور است زمان تدوین رسائل احتمالاً از نیمه اول قرن چهارم عقب‌تر نبوده است (فروزانفر، ۱۳۸۶، ص ۳۲۶).

لازم به ذکر است که هرچند پیدایش و ظهور این جمعیت قبل از قرن چهارم هجری بوده، اما چون اخوان عامداً در کتمان عقاید و آموزه‌های خود ساعی بودند، تا سال ۳۳۴ هجری و قبل از سلطه آل‌بویه بر بغداد از رسائل آنان خبری نبوده است.

در مورد مذهب اخوان اقوال و مناقشاتی میان پژوهشگران وجود دارد، اما در مجموع با توجه به عقاید و تعالیمی که اخوان در رسائل به آن پرداخته و همچنین نتایج پژوهش‌های انجام‌شده، شیعه بودن آنان قطعی است و اختلاف‌نظر بیشتر مربوط به امامیه بودن یا اسماعیلی

بودن ایشان است. لازم به یادآوری است که بسیاری از محققان اسلامی و همچنین خاورشناسان آنان را شیعه اسماعیلی دانسته‌اند. احمد زکی پاشا و طه حسین در مقدمه بر رسائل اخوان و عارف تامر که خود اسماعیلی مذهب است و رساله‌ای با عنوان «حقیقه اخوان الصفا و خلآن الوفا» تألیف کرده از اسماعیلی بودن آنان سخن گفته‌اند. عارف تامر مؤلف اصلی رسائل را «عبدالله بن محمد بن اسماعیل بن جعفر» (از نوادگان حضرت امام صادق(ع)) دانسته است (نصر، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

محقق گران‌قدر شیعه آغابزرگ طهرانی در «الذریعة إلى تصانیف الشیعة»<sup>۱</sup> به همین نظر متمایل شده است (آغابزرگ الطهرانی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۳۶۰). لازم به ذکر است که دیدگاه‌های اخوان در باب «امامت و خلافت» بعد از پیامبر اعظم(ص) در «الرسائل» به‌خوبی بر شیعه بودن اخوان و پذیرش ولایت و امامت حضرت علی(ع) و امامان معصوم(ع) از ذریه آن حضرت و حضرت زهرا(س) دلالت دارد. اخوان در رسائل از غیبت امام و دلایل آن نیز سخن گفته اما به تعداد ائمه(ع) ظاهراً و بر اساس نسخه‌هایی که از رسائل آنان موجود است، نپرداخته‌اند.

سبکی در طبقات الشافعیه نیز گفته است که «احمد بن عبدالله بن محمد بن اسماعیل» اهل نیشابور بوده و در سن ۷۸ سالگی در سال ۳۶۸ هجری از دنیا رفته است (سبکی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷). همچنین بیشتر خاورشناسان معاصر، رسائل اخوان را به اسماعیلیه نسبت داده‌اند؛ از جمله هانری کوربن (۱۳۸۰، ص ۱۱۳)، مادولونگ (۱۳۸۷، ص ۳۰۶)، آنتونی بلک (Black, 2001, p.61)، لین پول، گلدزیهر، ماسینیون و ایوانف (نصر، ۱۳۷۷، ص ۵۳).

لازم به یادآوری است که برخی محققان مانند طیباوی از امامیه بودن اخوان سخن گفته‌اند. طیباوی بر این باور است که در سده‌های بعد از قرن چهارم، اسماعیلیه از رسائل مزبور برای بسط افکار خود بهره برده‌اند، بدون اینکه مؤلف اصلی آن رسائل باشند (Tibawi, 1955, p.28-46). ادوارد براون و نیکلسون نیز رسائل را نتیجه آمیختگی آراء معتزله و شیعه دانسته‌اند.

در مورد اهداف و اغراض فعالیت این جمعیت نواندیش و متساهل در سده‌های سوم و چهارم نیز اختلاف نظرهایی میان متفکران اسلامی و خاورشناسان به چشم می‌خورد. ابوحنان توحیدی، هدف عمده از فعالیت این جمعیت را احیای فلسفه و آمیختن فلسفه یونانی با شریعت اسلامی می‌داند و ضمن رد دیدگاه‌های اخوان از صفای باطن و مکارم اخلاقی و

صداقت و پاکی آنان تمجید می‌نماید (الفاخوری و الجبر، ۱۳۷۷، ص ۱۹۴). طه حسین هدف عمده اخوان را ایجاد تغییر در حوزه سیاست و تلاش برای واژگونی خلافت عباسی دانسته است (حلبی، ۱۳۸۰، ص ۳۷). از سوی دیگر، عمر فروخ تلاش اخوان برای تغییر حکومت را بعید دانسته و دلایلی بر اثبات دیدگاه خود در رساله «تاریخ الفکر العربی» آورده است (فروخ، ۱۹۶۲، ص ۲۹۳). برخی پژوهشگران نیز اهداف اخلاقی و سلوک معنوی و تطهیر نفوس پیروان خود را با توجه به روح تعالیم اسلامی و گرایش‌های عرفانی و صوفیانه این گروه مورد توجه قرار داده‌اند (طیب‌اوی، ۱۹۳۰، ص ۱۴).

برای فهم بهتر اهداف و اغراض اخوان، مذاقه در آموزه‌ها، اندیشه‌ها و عقاید اخوان در رسائل ایشان که دایرةالمعارفی در علوم و فنون آن روزگار است و درعین حال با جهت‌گیری آموزشی و تربیتی خاص تدوین شده، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. اخوان سیاست عباسیان را صرفاً سیاسی جسمانی و ظاهری می‌دانستند. اخوان هرچند در رسائل از انواع علوم و فنون سخن گفته و تلاش جهت گردآوری و تبیین آن‌ها کرده بودند، اما هیچ‌گاه اهداف اخلاقی و تربیتی خود را فرو نهاده و بهره بردن از علوم مختلف را نیز در راستای شناخت وحدت و هماهنگی عالم وجود و توجه به صانع قادر آن مدنظر قرار داده بودند. اخوان در رسائل خود نسبت به غفلت آدمی از این امر مهم که با سعادت او مرتبط است، هشدار داده و می‌گویند:

عمرهای ما ناقص و کوتاه و اجل و سرآمد زندگانی ما نزدیک است. بازگردیم و متفاوت با آنچه رفتار می‌کردیم عمل نماییم. مردم خوابند و هنگامی که مردند، بیدار می‌شوند. بیدار شو ای برادر از خواب غفلت و جهالت، قبل از آنکه از وطن دنیا و جسم مفارقت کنی و به دوزخ وارد شوی و پیش از آنکه هاتقی ندا دهد که فلان فرد بدفرجام و فلان فرد نیک‌فرجام شد (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۲، ص ۳۸۴).

اخوان به فرازی از کلام مولای متقیان علی بن ابیطالب خطاب به کمیل اشاره می‌کنند که در حوزه دغدغه اخوان اندیشه‌برانگیز است. اخوان در رسائل یادآور می‌شوند که امیرالمؤمنین خطاب به کمیل فرمودند: «دنیا را با بدن‌هایتان هم‌نشین شوید (به‌گونه‌ای که) ارواح این بدن‌ها در عالم ملکوت معلق باشد (سیر کند)» (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۳۱۷). تحلیل هنجاری اخوان از دنیا باعث رویکرد هنجاری، اخلاقی و متساهلانه ایشان به مذاهب و عقاید گوناگون نیز شده است.

گرایش‌های اخلاقی و عرفانی تدوین‌کنندگان رسائل به‌گونه‌ای است که این گمان را تقویت می‌نماید که انتخاب نام «اخوان‌الصفاء» نیز در راستای مقوله طهارت نفس و صفای باطن بوده است. زیرا برخی بزرگان از عرفا، کلمه تصوف را مشتق از صفا دانسته‌اند. چنانکه شیخ ابوالحسن القنّاد می‌گوید: «الصوفی ماخوذٌ مِنَ الصفا وهو القيام لله عزّ وجلّ فی کل وقت بشرط الوفا» (ابونصر السراج الطوسی، ۱۹۱۴، ص ۲۶ و نصر، ۱۳۷۷، ص ۴۷).

لازم به یادآوری است که اهداف تربیتی و اخلاقی برادران باصفا از اهداف سیاسی ایشان جدا نبوده است. برادران در واقع حکومت و سیاستی را برمی‌تافتند که خود الگو و نماد پابندی به آموزه‌های اخلاقی و دینی در حوزه سیاست عملی باشد و بر این باور بودند که چنین سیاست فاضله‌ای نیز می‌تواند عموم مردم را به اخلاق الهی متخلّق نماید. همان‌گونه که گفته شد، «اخوان‌الصفاء» جمعیتی نواندیش در سده‌های اولیه تمدن اسلامی بودند که دیدگاه‌ها و آموزه‌های آنان از منظر فلسفی، اخلاقی، دینی، اجتماعی و سیاسی قابل بررسی و بازشناسی است، اما در این مقاله به اختصار تلاش شده است ضمن تبیین مصادیق «تساهل و مدارا» در اندیشه اخوان، خاستگاه آموزه‌های متساهلانه اخوان به پیروان خویش مورد مذاقه قرار گیرد. کاوش در اندیشه‌های متساهلانه از گروهی نواندیش و شیعه‌مذهب نزدیک به هزار سال پیش تصلب در تاریخ گذشته نیست بلکه با اقتضانات جهان مدرن که اساس آن بر همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف استوار شده، همخوانی دارد.

### ۱. روش پژوهش

روش پژوهش به کار گرفته‌شده در این مقاله جهت فهم آموزه‌های اخوان‌الصفاء روش تحلیلی و تفسیری است. روش تفسیری و تکیه بر متن و وفادار ماندن به آن در فهم و تفسیر و تأویل از ویژگی‌های اصلی روش تفسیری است. از شاخه‌های مهم روش تفسیری روش هرمنوتیکی است. هرمنوتیک صرف‌نظر از دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن و ریشه‌یابی اصطلاح در دوران مدرن دانش تفسیر متن است. با توجه به اینکه مجموع آموزه‌های اخوان در «الرسائل» و در چاپ جدید در چهار مجلد به زبان عربی گرد آمده است، روش توصیفی-تحلیلی و تفسیری با رویکرد هرمنوتیکی می‌تواند در فهم فرازهای برجسته اندیشه اخوان مدنظر قرار گیرد. از نظر روش پژوهش، پژوهشگر تفسیری در فهم متون تاریخی با فهم پدیده‌های اجتماعی به

فهم موضوع یا متن تکیه دارد. روش تفسیری روش فراگیر و گسترده است که نه تنها روش مطلوب اصحاب تأویل مانند ديلتای را در برمی‌گیرد بلکه به روش پژوهش متفکران جامعه‌شناس مانند ماکس وبر نیز تعمیم می‌یابد. روش تفسیری با توجه به گستردگی کاربرد و با نفعن به خوانش‌های مختلف در فهم متون، مکاتب فلسفی، کلامی، دینی و جامعه‌شناختی کاربرد دارد (سیدامامی، ۱۳۸۶، ص ۴۴).

در تفسیر متون سه عامل مؤلف، متن و مفسر اهمیت می‌یابد.

دیلتای از متفکران عمده روش‌شناسی تفسیری و تأویلی بر این باور بود که علوم انسانی برخلاف ادعای اثبات‌گرایان تمامیت و موضوعیت متفاوت از علوم طبیعی دارد، لذا پژوهشگر علوم انسانی نباید برای فهم موضوع از روش‌های علوم طبیعی استفاده کند. در حوزه مطالعات اسلامی و متون مربوط به فهم اندیشه‌های متفکران و مکاتب برجسته فکری در جهان اسلام روش تفسیری به‌ویژه با رویکرد دیلتای می‌تواند مورد امعان نظر واقع شود. در فهم آموزه‌های اخوان الصفا و پیگیری ریشه‌های تساهل و مدارا در آموزه‌های آنان همچنین رویکرد عرفانی آنان باید مدنظر قرار گیرد. الهام‌ها و اشراقات قلبی با انقطاع وحی از باب قاعده لطف الهی به روش بندگان بسته نخواهد شد. همان‌گونه که ملاصدرا بازگو می‌کرد که خداوند باب وحی را با رسالت رسول خاتم حضرت محمد(ص) بسته اما باب اتهام و اشراق را از جهت رحمت خویش بر روی بندگانش باز کرده است. اخوان الصفا نیز دریافت چنین الهام‌ها و اشراق‌های قلبی را در پرتو تهذیب نفس و ادبار به زخارف دنیوی و اقبال به آخرت و جهان بعد از مرگ مربوط می‌دانستند. این جنبه عرفانی و سلوکی در تفسیر آموزه‌های اخوان و در روش پژوهش تفسیری متن محور آنان نیز باید مدنظر قرار گیرد.

## ۲. تساهل و مدارا و مصادیق آن در اندیشه‌های اخوان الصفا

تساهل و مدارا<sup>۲</sup> یکی از مؤلفه‌های مهم تمدن و دولت مدرن در جهان معاصر است. به دنبال جنبش اصلاح مذهبی در غرب و ایجاد شکاف و تفرقه میان پیروان آیین مسیحیت در اروپا و ظهور مذهب پروتستان و مکتب کالون، قرن شانزدهم در اروپا قرن تفرقه و تشتت و سپس درگیری و هم‌کیش کشی مذهبی گردید (لوفان بومر، ۱۳۸۰، صص ۲۱۹-۲۳۲).

تساهل و مدارا نسبت به عقاید و باورهای پیروان مذاهب مختلف و همچنین رعایت حقوق و امتیازات تمام شهروندان صرف‌نظر از مذهب، نژاد، عقیده و زبان و مانند آن‌ها راهی بود که متفکران برجسته به‌ویژه در قرن هجدهم برای رهایی از کشمکش‌ها و جنگ‌های داخلی و برادرکشی پیشنهاد کردند. جان لاک که از وی به‌عنوان پدر نظام مجلس شورای جدید یاد می‌شود در اثر مهمی به نام «Two Treatises of Government» به تبیین نظام اجتماعی و سیاسی جدید با محوریت تساهل و مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان عقاید گوناگون و رضایت آحاد مختلف شهروندان از حکمرانی پرداخت (Lock, 2005, pp.384-398).

همچنین لاک در مقاله‌ای با عنوان «Letter Concerning Toleration» از ضرورت تساهل و مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز فرقی و گروه‌های گوناگون مذهبی و سیاسی سخن گفت (Lock, 2003, p.215). تساهل و مدارا در رعایت حقوق تمام شهروندان کم‌کم دستمایه شکل‌گیری نظام جدید و برگزاری انتخابات با مشارکت گروه‌های مختلف شد و به‌تدریج در مغرب زمین تکامل یافت. روسو نیز در کتاب قرارداد اجتماعی از اراده عمومی (نه گروه‌های خاص) و ضرورت انتخابات و برگزیدن نمایندگان مختلف در مجلس سخن گفت (Rousseau, 1968, pp.149-157). هرچند این مفهوم در روند تکاملی تاریخ اندیشه‌های سیاسی اجتماعی در غرب تکوین و تعمیم یافته، اما در شرق نیز خاستگاه چنین اندیشه‌هایی به‌ویژه در حوزه‌های اخلاقی و عرفانی قابل ردیابی و بازشناسی البته با مبانی دیگر از جمله اندیشه‌های قابل مذاقه در این حوزه، می‌توان به اندیشه‌های اخوان‌الصفاء را در «الرسائل» که مربوط به هزار سال گذشته است و با تحولات دنیای مدرن در غرب فاصله زیادی دارد، اشاره کرد.

اخوان از پیروان خود می‌خواستند که نسبت به عقاید و مذاهب گوناگون تعصب نورزند و با حفظ اندیشه‌های دینی و اجتماعی خویش در جمع‌آوری علوم و فنون مختلف از منابع گوناگون دینی، فلسفی و علمی آن دوران کوشا باشند. گفته‌های اخوان در «الرسائل» خطاب به پیروان در این حوزه بسیار اندیشه‌برانگیز و قابل تأمل است. آنجا که می‌گویند: «... ینبغی لخواننا ایدهم... تعالی أن لا یعادوا علماً من العلوم، أو یهجروا کتاباً من الکتب وأن لا یتعصبوا علی مذهب من المذاهب، لأنّ رأینا و مذهبنا یتستغرق المذاهب کلّها ویجمع العلوم جمیعها»<sup>۳</sup> (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۴، ص ۳۵).

اخوان‌الصفاء بر اساس همین نگرش می‌کوشیدند تمام آثار و کتب مختلف علمی و فلسفی را که به آن دست می‌یافتند مطالعه و گلچین نمایند و در دایرة‌المعارف خود که تلفیقی از



علوم و دانش‌های آن روز و درعین‌حال متأثر از آموزه‌های ادیان توحیدی و به‌ویژه اسلام بود جای دهند. اخوان‌الصفاء بر اساس همین نگرش متساهلانه با فراست از ویژگی‌های برجسته اقوام مختلف سخن گفته و تلاش می‌کردند ویژگی‌های مثبت هر قومی را به پیروان جهت تأسی گوشزد و در جهت اهداف علمی، تربیتی و اخلاقی خویش از آن‌ها استفاده نمایند. به باور اخوان، با مشرب‌ی متساهلانه و به دور از تعصب می‌بایست از امتیازات اقوام و پیروان آئین‌های مختلف در مسیر تکامل و تعلیم و تربیت بهره جست. اخوان ویژگی‌های برجسته اقوام و ملل مختلف را به‌منظور شناخت و تأسی پیروان این‌گونه تبیین می‌کردند:

مرد کامل و وارسته باید از ایران برخیزد، ایمان عربی و تحصیلات عراقی داشته باشد و در زیرکی مانند یهودیان و در رفتار مانند عیسویان و در تقوی مانند یک راهب سریانی و در علوم جزئی یک یونانی و در تعبیر اسرار و بصیرت یک هندی و در زندگی معنوی یک صوفی دارای اخلاق مَلکی و ربّانی باشد (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۲، ص ۳۱۷).

لازم به یادآوری است که اخوان‌الصفاء این رویکرد متساهلانه را که در دوران جدید و در مغرب زمین از آن تعبیر به تکثرگرایی (پلورالیسم) دینی می‌شود، در روزگاری بیان کردند که قرن‌ها با تحولات جدید مغرب زمین و جنبش اصلاح مذهبی و رنسانس و آموزه‌های متفکرانی مانند لاک فاصله دارد. البته چنین نگرشی که توأم با مخالفت شدید با ستم حکومت عباسیان نیز بود به تعبیر برخی محققان نه‌تنها باعث برانگیختن دشمنی عباسیان با ایشان شده بود بلکه می‌توانست عداوت گروه‌های دیگر مسلمان را نیز علیه اخوان برانگیزاند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۷).

یکی دیگر از مصادیق تساهل و مدارا در آموزه‌های برادران باصفا رویکرد متساهلانه آنان در استفاده از مصادر و منابع مختلف است. اخوان‌الصفاء بر اساس مشی اعتدالی و متساهلانه خود دست به گزینش و گلچین کردن منابع و مصادر علوم و آموزه‌های حکمی و اندیشه‌های مختلف فلسفی، اخلاقی، علمی و دینی بر اساس دانش بشری و همچنین رهنمودهای دینی و الهی، به‌ویژه با استناد به منابع ادیان توحیدی و در صدر آن قرآن مجید، زده بودند. اخوان در رسائل خود یادآور می‌شوند که از چهار منبع و آبشخور، اندیشه‌های خود را بارور و سیراب کرده‌اند. منبع اول کتب و آثار مدون و تألیف شده علمی و کتاب‌های حکما و فلاسفه و دانشمندان، منبع دوم کتب و صحف آسمانی به‌ویژه قرآن که محور اصلی آموزه‌های اخوان در

حوزه اخلاقی و تربیتی است. همچنین اخوان از روایات منقول از انبیاء الهی به ویژه پیامبر اکرم و خاتم (ص) و جانشین و وصی آن حضرت یعنی امیرالمؤمنین علی (ع) به وفور در رسائل خود استفاده کرده‌اند. منبع سوم به تعبیر اخوان کتاب «طبیعت بالمعنی الاعم» است که مسائل مربوط به افلاک، اشکال و مراتب موجودات، اعداد و تأثیر حرکات صور فلکی و ستارگان را بر اساس دانش آن روز مورد بررسی قرار داده است. منبع چهارم اخوان منبعی رمزی و اشراقی است. اخوان در رسائل اشعار می‌دارند: منبع چهارم کتاب الهی است که جز افراد مطهر و پاک و مهذب به آن نائل نمی‌شوند و واسطه فیض آن ملائکه‌اند (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۴، ص ۳۶). منبع چهارم اخوان در هاله‌ای از ابهام و تأویل قرار دارد که توضیح آن در این مقال نگنجد. اجمالاً منبع چهارم به تلقی مستقیم از خداوند و فرشتگان الهی با اشراق‌ها و الهام‌های قلبی حاصل می‌شود که «العلم نور یقذفه... فی قلب من یشاء».

اخوان پیروان خود را نیز از میان نژادها و اقوام مختلف که دارای استعداد و انگیزه لازم برای پذیرش آراء آنان بودند انتخاب و آنان را در چهار گروه سنی پانزده تا سی سال، سی تا چهل سال، چهل تا پنجاه سال و پنجاه سال به بالا قرار می‌دادند و بر این باور بودند که اگر پیروان مراتب کمال معنوی و اخلاقی را به خوبی طی نمایند، پس از پنجاه سال به مشاهده و مکاشفه عالم ملکوت در همین جهان و قبل از فرارسیدن مرگ نائل شده، فرشتگان حضرت حق را مشاهده و نعم موعود در جهان دیگر و عذاب و نعمت تبهکاران را مشاهده خواهند کرد. اخوان می‌گویند چنین نفسی که به این مرتبه رسیده است صورت مجرد از هیولای جسمانی است (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۴، ص ۲۳۱). ظاهراً منبع چهارم اخوان ناظر به نیل آدمی به چنین مرحله‌ای است که در آموزه‌های عرفانی مورد توجه واقع شده است.

### ۳. عوامل مؤثر در تکوین اندیشه‌های متساهلانه اخوان الصفا

اندیشه‌های تساهل‌آمیز اخوان در هزار سال پیش که در تاریخ اندیشه‌های اجتماعی، دینی و سیاسی اسلامی تقریباً بی‌نظیر است، مولود علل و عوامل مختلفی است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین ریشه‌ها و آبشخورهای آن اجمالاً و به اختصار اشاره می‌گردد.

### ۳-۱. تلاش اخوان برای جمع‌آوری علوم و فنون و دانش‌های مختلف آن روز به‌ویژه علوم

#### عقلی و نقلی

همان‌گونه که گفته شد اخوان به دنبال تدوین و تألیف دانش‌ها و علوم مختلف در حوزه‌های گوناگون الهی، فلسفی، ریاضی و طبیعی بودند. اخوان در واقع به تدوین اولین دانشنامه و دایرةالمعارف نه‌تنها در جهان اسلام که احتمالاً در جهان همت گماشتند. البته هدف اخوان از جمع‌آوری دانش‌ها صرفاً نگارش دانشنامه نبود و آنان اهداف خاص تربیتی و اخلاقی و نیل به کمالات عقلی، تربیتی و رفتاری را به پیروان خود توصیه می‌کردند، اما با توجه به رویکرد خود در جمع‌آوری علوم و دانش‌های مختلف از پیروان خود می‌خواستند که هر کتاب و اثری را که در آن بارقه‌ای از علم و دانش و حکمت وجود دارد طرد نکنند و آن را فرونگذارند. بنابراین لازمه نیل به چنین هدفی تساهل و مدارا در جمع‌آوری و گزینش آثار مختلف علمی، فلسفی و دینی بوده است. البته این رویکرد اخوان باعث شده که آنان یک جهان‌بینی معرفتی ترکیبی و گاه غیر یکدست را به پیروان خود معرفی نمایند. اخوان حتی در مسائل فلسفی نیز پیرو یک مکتب و مسلک فکری نیستند. برای مثال در بقاء نفس به عقیده سقراط متمایل‌اند و در خلقت جهان، تفکری فیثاغورثی دارند. در منطق پیرو منطق صوری ارسطو و در متافیزیک تفکری افلاطونی دارند. در مسائل مربوط به افلاک و ستارگان به عقاید حرانی‌ها متمایل‌اند و در مسائل مربوط به اعداد از اندیشه‌های فیثاغورثیان بهره برده‌اند (نصر، ۱۳۷۷، ص ۶۸). درعین حال اخوان هیچ‌گاه اهداف اخلاقی و تربیتی خود را فروگذار نکرده و نیکبختی و سعادت همواره محور اصلی تعالیم آنان بوده است.

### ۳-۲. رویکرد عرفانی و توحیدی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر اندیشه‌های متساهلانه اخوان رویکرد عرفانی و صوفیانه آنان به آموزه‌های اسلامی و تربیتی دینی بر محور توحید و به تعبیر حکما سبب اول است. اخوان بر این باور بودند که با ریاضت و سیر و سلوک معنوی و عرفانی می‌توان به مرتبه‌ای رسید که حقایق عالم ملکوت را مشاهده کرد. لازمه چنین مرتبه‌ای دوستی و صداقت و راستی و راست‌گویی و تعامل اخلاقی با تمام اصناف خلق خدا و تنظیم رابطه صحیح و عبودیت با حضرت حق است. اخوان در رسائل و در همان‌جایی که از پیروان خود می‌خواهند که نسبت

به هیچ مذهب و مکتبی تعصب نورزند و هیچ کتاب و منبعی را فرونگذارند، یادآور می‌شوند که دلیل این امر این است که تمام موجودات عالم و مراتب آن از مبدأ و منشأ واحد و علت واحد سرچشمه می‌گیرند. نگرش عرفانی به عالم و همه‌چیز را تجلی اراده و مشیت الهی دانستن و عالم خلقت را به یک فروغ رخ ساقی به حساب آوردن باعث تساهل در اندیشه و رفتار نسبت به اصناف مختلف خلق و حتی تعامل صحیح آدمی با موجودات دیگر و طبیعت و حیاتی که مخلوق الهی است، می‌گردد.

### ۳-۳. تلائم و سازش میان عقل و شرع

یکی از اهداف اخوان از جمع‌آوری علوم و دانش‌ها و معارف عقلی در کنار معارف نقلی ایجاد تلائم و همسویی میان عقل و شرع بود. احیای معارف عقلی به‌ویژه معارف حکمی و فلسفی و تلاش برای ایجاد آمیختگی میان فلسفه یونانی و نوافلاطونی با آموزه‌های دینی و شرعی مورد توجه و اهتمام اخوان‌الصفاء بود. اخوان‌الصفاء در رسائل در دفاع از معارف عقلی و فلسفی تا جایی پیش رفتند که از عبادات فلسفی در کنار عبادات شرعی سخن گفته و دستورالعمل‌هایی برای پیروان خود در این حوزه صادر می‌کردند. همین مسئله دشمنی گروه‌های مختلف را برمی‌انگیخت و سبب و متهم کردن آنان به دین‌گریزی و التقاط می‌شد. صرف‌نظر از افراط‌گری‌های اخوان در این حوزه، نفس تلاش برای تلفیق آموزه‌های حکمی و عقلی با معارف الهی و نقلی نیازمند تساهل و مدارا در مواجهه با کتب و اندیشه‌هایی بود که به دو حوزه یادشده مربوط می‌شد. لذا یکی از دلایل مهم گفتمان متساهلانه اخوان در رسائل، پایبندی جدی آنان به معارف عقلی و منطقی آن روز در کنار علوم نقلی به‌عنوان دو مشعل فروزان معرفت جهت نیکبختی و سعادت انسان‌ها بود.

### ۳-۴. تشیع و تساهل اخوان

یکی دیگر از عوامل اندیشه‌های تساهل‌آمیز اخوان شیعه بودن آنان است. شیعه در اسلام که همانا استمرار حرکت پیامبر خاتم در پایبندی به آموزه‌های دینی از طریق امامت اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بر اساس رهنمودهای پیامبر اکرم(ص) است همواره در جهان اسلام پیشتاز و مدافع عقلائی و معارف عقلی و علمی در کنار معارف نقلی بوده است. برخی از

امامان و پیشوایان دینی مانند امام صادق(ع) و امام رضا(ع) که فرصتی جهت مباحثه با بزرگان ادیان مختلف یا افراد بی‌اعتقاد و ملحد یافتند با سعه صدر و مدارا و استدلال دقیق‌ترین مباحث عقلی در دفاع از دین و حریم ادیان الهی و معرفی معارف اصیل و صحیح ادیان الهی را مطرح می‌کردند. اهل بیت عصمت(ع) که خزائن علم الهی هستند در زمان خود اعلم افراد و آموزگار نخست و بی‌بدیل در علوم و فنون مختلف بودند علم و دانشی که از آن تعبیر به علم لدنی شده است. اخوان‌الصفاء نیز جماعتی شیعه‌مذهب بودند و گفته‌های آنان درباره‌ی امامت و جایگاه مقام علمی و معنوی ائمه معصومین(ع) در رسائل اندیشه‌برانگیز و قابل مداخله جدی است. حتی اگر قول مشهور محققان در شیعه سبیه بودن تدوین‌کنندگان رسائل نیز پذیرفته شود، این گروه تا پیشوای ششم شیعیان یعنی امام جعفر صادق(ع) را که بخش اعظمی از معارف شیعه امامیه به آن حضرت بازمی‌گردد، به‌عنوان امام معصوم پذیرفته بودند و امام صادق(ع) در عین صلابت در دین و دفاع عقلی و منطقی از آموزه‌های دینی خود تربیت‌کننده چند هزار دانش‌آموخته در حوزه‌های مختلف علوم و فنون مختلف در آن دوران بودند.

اخوان‌الصفاء در رسائل چهارم و دوم، چهل و هفتم و چهل و نهم و آخرین رساله که رساله پنجاه و دوم است، ضمن تشریح مسئله نبوت و رسالت انبیاء الهی جهت هدایت انسان‌ها از جانب خداوند، به رسالت پیامبر اسلام به‌عنوان آخرین و مهم‌ترین سفیر الهی اشاره کرده و سپس در مورد ضرورت انعقاد «امامت» در استمرار صیانت از احکام شریعت و هدایت خلق پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) سخن گفته‌اند. اخوان بر ضرورت محبت و تبعیت از امامان معصوم(ع) تأکید می‌نمایند. اخوان در رساله چهارم و دوم در فرازی با عنوان «فی بیان سبب اختلاف العلما فی الامامه» ضمن تشریح ضرورت انعقاد امامت در جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر(ص) به اختلاف گروه‌ها و نحله‌های اسلامی اشاره می‌کنند و یادآور می‌شوند که این اختلاف نظرها نه درباره‌ی اصل امامت بلکه در شناخت مصداق امام و تشخیص جانشین حقیقی پیامبر خاتم(ص) بوده است. اخوان سپس با ذکر دو دیدگاه نص و انتخاب دیدگاه نص را که همان دیدگاه مختار شیعه و مبتنی بر نصوص مسلم دینی و روایی است می‌پذیرند و بر امامت، وصایت و محبت حضرت امیرالمؤمنین(ع) به‌عنوان جانشین بلافصل پیامبر(ص) تأکید می‌نمایند و بر پیروی آن حضرت و فرزندان معصومش که از آنان تعبیر به «طاهرین» کرده صحه می‌گذارند و می‌گویند:

ای برادر نیکوکار مهربان، از اموری که میان ما و شما پیوند برقرار می‌کند، محبت و دوستی پیامبر(ص) و اهل بیت طاهرین(ع) آن حضرت(ص) و متولیان و زمامداران امر مؤمنین علی بن ابی طالب و ائمه طاهرین(ع)، است (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۴، ص ۱۶۱).

اخوان سپس به ضرورت وجود امام معصوم در هر زمان می‌پردازند و پنهان بودن امام در زمان غیبت را پنهان بودن از عامه مردم می‌دانند، نه از خواص و می‌گویند امام منتظر در میان مردم حاضر است و ایشان را می‌شناسد و این پنهانی از ناحیه مردم است (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۴، صص ۱۲۲ و ۳۱۲). دیدگاه اخوان که در این حوزه با رویکرد شیعه امامیه بسیار نزدیک است مبتنی بر تأسی بر روش و سیره امامان معصوم(ع) و عمل به رهنمودهای آنان برای نیل به سعادت دنیا و عقبی است، امامانی که خود پرچم‌دار علم و دانش، انصاف، عقلانیت و دفاع منطقی و عقلی از آموزه‌های دینی بوده و دانش آنان مستظهر به علم لدنی و علوم ماورائی و غیب به اذن خداوند باشد.

### ۳-۵. رویکرد اخلاقی اخوان در تعلیم و تربیت

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل اندیشه‌های متساهلانه اخوان و آموزش این روش به هم‌مسلمانان و پیروان خویش، رویکرد اخلاقی و عرفانی و توجه جدی آنان به آموزه‌های اخلاقی ادیان توحیدی به‌ویژه دین مبین اسلام است. لازم به یادآوری است که معارف دینی در اسلام به چند حوزه مهم قابل تقسیم است: یک. حوزه عقاید؛ دو. حوزه عبادات؛ سه. حوزه احکام و چهار. حوزه اخلاق. آموزه‌های اخلاقی تمام ادیان توحیدی، به‌ویژه آخرین دین آسمانی یعنی اسلام که بر تمام حوزه‌ها و بخش‌های مختلف حیات آدمی در دو ساحت فردی و اجتماعی سایه افکنده، مورد توجه جدی اخوان‌الصفا قرار داشته و رویکرد متساهلانه اخوان تا حد وافر از این نگرش سرچشمه می‌گیرد. در جای‌جای رسائل، اخوان‌الصفا مؤلفه‌های هنجاری و رگه‌های اخلاقی مرتبط با سعادت آدمی بر اساس آموزه‌های دینی به‌ویژه با استناد به آیات قرآن مجید را یادآور می‌شوند. لازم به یادآوری است که اخوان‌الصفا در علوم و دانش‌های مختلف مبدع و مبتکر نبودند بلکه، بر اساس رویکرد متساهلانه فکری خود، آنچه از علوم و دانش‌ها از مکاتب و ادیان و فلاسفه و خردورزان و صاحبان اندیشه در حوزه‌های مختلف و متناسب با مشرب فکری خود می‌یافتند، جمع‌آوری و با دسته‌بندی و نثری زیبا به زبان فصیح

عربی در رسائل خود مندرج می‌کردند. آموزه‌های اخوان در حوزه اخلاق تحت تأثیر گفتمان اخلاقی اسلام و ادیان توحیدی و همچنین اندیشه‌های متفکران برجسته حوزه اخلاق نظری مانند ابن مسکویه رازی (وفات ۴۲۱) در کتاب «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» است. اخوان‌الصفاء در رساله «بعث» آموزه‌ای را در حوزه معرفت کلامی اظهار می‌دارند مبنی بر اینکه نفس کلی انسانی یا انسان کلی مطلق «خلیفه...» در زمین است و این انسان کلی فطرتاً و طبیعتاً بر سرشتی است که تمام مکارم اخلاقی را پذیرا و بدان متمایل است؛ اما انسان جزئی برای داشتن خصال و رفتار نیک نیازمند اوامر و نواهی الهی (وعده و وعید) است؛ به‌ویژه کسانی که طبیعت آنان به دلایل گوناگون از جمله محیط خانوادگی و اجتماعی چندان متمایل به پابندی به مکارم و سجایای اخلاقی نیست یا در مرتبه‌ای ضعیف‌تر نسبت به گروه اول قرار دارند. تأویل انسان خلیفه... به انسان کلی از تفسیرهای ذوقی و باطنی این جمعیت است که البته موافق مشرب شیعیان اسماعیلی است (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۲۵۹).

اخوان جوهر اولیه آدمی یا همان انسان کلی خلیفه‌الله را در وجود و مصادیق انسان‌های جزئی و مصداقی با درجات مختلف جاری و ساری می‌دانستند که البته در مصادیق جزئی به تعبیر مولوی آب شیرین و آب شور با یکدیگر آمیخته شده است.

رگ است این آب شیرین و آب شور در خلایق می‌رود تا نفخ صور

(مولوی، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

از سوی دیگر به باور اخوان تمام ادیان الهی و توحیدی دارای جوهری یکسان جهت تکمیل و ارتقاء فضائل اخلاقی آدمی و اصلاح رفتار بشر می‌باشند و این رویکرد ادیان الهی در اسلام به آخرین و اعلی‌ترین مرتبه رسیده، همان‌گونه که پیامبر خاتم(ص) هدف اصلی از بعثت خود را تکمیل و تنمیم مکارم اخلاقی ذکر کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۴۰۵).

بر پایه این رویکرد، اخوان بر این باور بودند که پیروان ادیان و مذاهب مختلف جهت نیل به مقصود و رسیدن به قلّه رستگاری از راه‌های مختلف در تلاش‌اند، هرچند طریق حضرت پیامبر خاتم(ص) کامل‌ترین، جامع‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر جهت تقرب الهی و نیل به رستگاری است.

بر اساس همین نگرش، اخوان‌الصفاء پیروان خود را به شدت نسبت به جمود فکری و تعصب و طرد پیروان یا منابع ادیان و همچنین طرد آموزه‌های حکما و دانشمندان غیرمسلمان

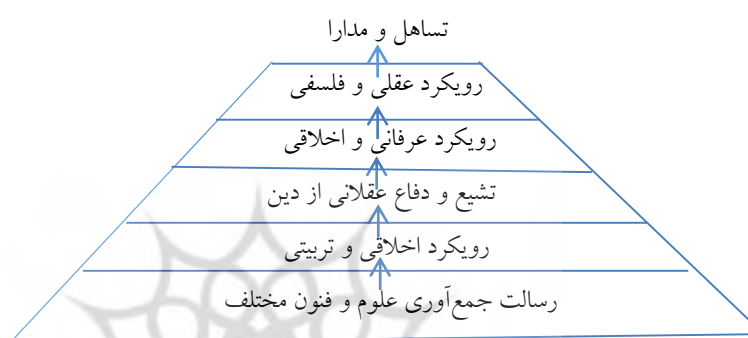
بیم می‌دادند و از هم‌مسلمانان خود تساهل و مدارا نسبت به پیروان مکاتب و عقاید گوناگون را طلب می‌کردند (الرسائل، ج ۴، ص ۳۵). از سوی دیگر، اخوان انسان را در این جهان بر اساس آموزه‌های ادیان توحیدی محبوس در کره خاکی با مشکلات و مصائب گوناگون می‌دانستند که می‌بایست با کلید معرفت درب این زندان را بگشاید و با توشه‌ای از اعمال صالح و مکارم اخلاقی آماده ترک هیولی و ورود به جهانی اعلی و برتر گردد و لازمه این ارتقاء، همان‌گونه که رهنمودهای اصیل اسلامی در قرآن و سنت بر آن تکیه دارد، طهارت نفس و پیراستن اخلاق مذموم و اتصاف به مکارم و سجایای والای اخلاقی است. اخوان تمام افراد و موجودات عالم را مخلوق حضرت حق دانسته که با تعامل صحیح قابل رستگاری و هدایت‌اند. چگونگی رستگاری و سعادت آدمیان با رویکرد اخلاقی و عرفانی متساهلانه اخوان محور اصلی آموزه‌های آنان را تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است که اخوان در عین حال هشدار می‌دهند که اگر انسان‌ها از مسیر حق دور شوند به شقاوت و بدفرجامی نیز دچار خواهند شد. بر همین اساس اخوان اصناف مختلف مردم را از جهت نیکبختی یا بدفرجامی غائی و با توجه به چگونگی زندگی در دنیا و پس از آن به چهار گروه تقسیم می‌نمایند و ویژگی‌های هر گروه را با بیانی شیوا در رسائل یادآور می‌شوند. نیکبختان دنیا و آخرت، بدفرجامان هر دو جهان، نیکبختان دنیا و شوربختان آخرت و شوربختان دنیا و نیکبختان آخرت چهار عنوان اخوان در تبیین فرجام انسان‌ها از اصناف مختلف خلق است (الرسائل، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۲۷۹).

#### جمع‌بندی

همان‌گونه که در این مقاله و در تبیین فرازهایی از آموزه‌ها، اندیشه‌ها و توصیه‌های «اخوان‌الصفاء و خلّان‌الوفا» بیان گردید، یکی از وجوه ممتاز و قابل مذاقه و تأمل اندیشه‌های اجتماعی و مدنی اخوان، پرهیز از تعصب، آسان‌گیری و تحمل و تساهل و مدارا نسبت به عقاید و مکاتب و نحله‌های فکری گوناگون است. این آموزه اخوان عمده‌تاً حاصل رویکرد عقلی، عرفانی و اخلاقی این جماعت و تلاش آنان برای گردآوری علوم و فنون مختلف در مجموعه و موسوعه‌ای به نام «الرسائل» بوده است. در حوزه گفت‌وگو کلامی نیز شیعه بودن اخوان و تلاش برای تقریب هر چه بیشتر عقل و شرع در اتخاذ رویکرد متساهلانه اخوان



منشأ اثر بوده است. روش تحلیلی و تفسیری متن در رسائل اخوان و فهم ارتباط اجزاء مختلف رسائل می‌تواند عوامل رویکرد متساهلانه اخوان را هرچه بیشتر آشکار نماید. بنابراین تساهل و مدارایی که در رأس هرم اندیشه‌های اجتماعی اخوان می‌درخشد، ریشه در عوامل یادشده دارد. تأثیر عوامل موصوف را می‌توان در نمودار ذیل روشن‌تر ترسیم کرد.



رویکرد متساهلانه برادران باوفا در روزگاری که هزار سال از زمانه ما فاصله دارد از چند جهت قابل توجه و تأمل است: نخست بازشناسی یک نحله فکری و اجتماعی مهم در جهان اسلام که در عین پابندی به رویکرد دینی و دغدغه سعادت که از مؤلفه‌های مهم اندیشه‌های اسلامی کلاسیک است مدافع جدی پرهیز از تعصبات و جمود فکری و اقبال نظری و عملی نسبت به نحله‌ها و مکاتب مختلف فکری و علوم و دانش‌های مختلف در آن دوران بوده‌اند. طرفه آنکه این جماعت شیعه‌مذهب همچنین مدافع سرسخت امامت ائمه معصومین(ع)، تعبیر به «طاهرین»، و امامت پس از پیامبر(ص) را ضامن پاسداری از آموزه‌های اصیل دینی و هدایت صائب جامعه اسلامی دانسته و اعتقاد و پابندی به رهنمودهای آنان را ضروری می‌دانستند.

دومین نکته قابل توجه در مورد این جماعت دست داشتن ایرانیان در تشکیل و هدایت این نحله فکری و اجتماعی در جهان اسلام بوده است. هرچند گفته شده که بصره و بغداد مرکز اصلی فعالیت آنان بوده است، اما به‌وضوح دخالت ایرانیان در تشکیل و هدایت این جمعیت قابل شناسایی است. اسامی برخی ایرانیانی که از آنان به‌عنوان تدوین‌کنندگان رسائل در کتب تراجم یاد کرده‌اند و اشعاری که به زبان پارسی در رسائلی که تمام آن به زبان عربی فصیح نگارش یافته، به‌خوبی این دخالت را نشان می‌دهد. اسامی افرادی مانند ابوهارون

زنجانی و نهرجوی در میان تدوین‌کنندگان رسائل از سوی صاحبان کتب تراجم مؤید این مطلب است.

سومین نکته که در نتیجه‌گیری از آموزه‌های متساهلانه اخوان قابل مذاقه است دفاع سرسختانه آنان از علوم عقلی در کنار علوم نقلی و تلاش برای سازش هر چه بیشتر میان عقل و شرع است. رسائل اخوان، تدوین‌یافته در پنجاه و دو فصل، در واقع رسالت جمع‌آوری علوم و فنون مختلف در پرتو تعامل و سازش هرچه بیشتر میان عقل و شرع را دنبال کرده است. البته برادران در این حوزه گاه دچار افراط و تفریط‌هایی شده که در این نوشتار فرصت پرداختن و نقد مواضع آنان وجود ندارد.

چهارم، اخوان در زمانی از تساهل و مدارا سخن گفته و از نوعی تکثرگرایی (پلورالیسم) فکری و مذهبی دفاع کرده‌اند که از دوران معاصر ده قرن فاصله دارد. در آموزه‌های متفکران مغرب‌زمین چنین رویکردی از قرن هجده به بعد در تاریخ تطور اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی قابل ردیابی است؛ اما اخوان این نگرش تساهل‌آمیز را قرن‌ها قبل از تحولات جدید اندیشه‌های مغرب‌زمین عنوان کرده بودند. البته نکته مهمی که در تفاوت تساهل اخوان و تساهل متفکران سکولار در غرب وجود دارد، آن است که اخوان در عین پابندی به دین و آموزه‌های دینی و دغدغه سعادت اخروی انسان و بر اساس خاستگاه دینی و عرفانی و اخلاقی و عقلی، از تساهل و مدارا سخن گفته‌اند و هیچ‌گاه اهداف اخروی خویش را در تربیت پیروان فرونگذاشته‌اند و در واقع هدف عمده آنان، در عین جمع‌آوری علوم و فنون، دغدغه رستگاری و سعادت آدمی است. لذا خاستگاه معرفتی آنان با رویکرد متفکران سکولار در غرب تفاوت دارد.

در پایان این مطلب را یادآور می‌شود که توجه به آموزه‌های «اخوان الصفا» حرکتی در جهت بازشناسی اندیشه‌های بومی و اصیل اسلامی ایرانی در تاریخ اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی متعارف است. اندیشه‌هایی که صرفاً به تراث و میراث فکری گذشته تعلق ندارد بلکه مشعلی برای روشن کردن راه آینده تمدن اسلامی است.

## یادداشت‌ها

. والاصح انهم اسماعیلیه وحکی عن الریاض بعض ما یدل علی تشیعهم وکتب إلینا السید شهاب‌الدین من قم أن مؤلفه هو احمد بن عبدالله بن محمد بن اسماعیل بن العلوی الصادقی من دعاة الاسماعیلیة وله تلخیصة الموسوم بالجامعة وتلخیص هذا التلخیص المسمی بجامعة الجامعة.

### 2. toleration

. سزاوار است که برادران ما که خداوند آنان را مؤید بدارد با هیچ علم و دانشی از علوم دشمنی نوزند و کتابی از کتب (مختلف) را طرد نکنند و نسبت به هیچ مذهبی از مذاهب دشمنی نوزند، زیرا دیدگاه و مذهب ما تمام مذاهب را دربر می‌گیرد و تمام علوم و دانش‌های مختلف را برمی‌تابد.

## کتابنامه

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۵)، *ماجرای فکر فلسفی در اسلام*، تهران: طرح نو.
- احمدی طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «طبیعت و محیط زیست در آموزه‌های اخلاقی و مدنی اخوان‌الصفاء»، در کتاب *اخلاق و محیط زیست (رهیافتی اسلامی)*، به کوشش دکتر کاووس سیدامامی، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- همو (۱۳۹۲)، «اخلاق و سیاست در آموزه‌ها و اندیشه‌های اخوان‌الصفاء»، *جستارهای سیاسی معاصر*، ش ۹.
- اخوان‌الصفاء (۲۰۰۵)، *الرسائل*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۰)، *گزیده رسائل اخوان‌الصفاء*، تهران: نشر اساطیر.
- سبکی، تاج‌الدین، عبدالوهاب (بی‌تا)، *طبقات الشافعیة الکبری*، تحقیق محمود محمد و عبدالفتاح، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- شهرزوری، شمس‌الدین، محمد بن محمود (۱۳۶۵)، *نزهة الارواح و روضة الافراح (تاریخ الحکما)*، ترجمه مقصودعلی تبریزی، به کوشش محمد دانش‌پژوه و محمدرور مولایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شیخ آغابزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۳۶۰)، *الزریعة إلى تصانیف الشیعة*، تهران: مطبعه مجلس الشوری.
- طیب‌اوی (۱۹۳۰)، *جامعة اخوان‌الصفاء*، بیروت: مجله دانشگاه آمریکایی بیروت.
- فروخ، عمر (۱۹۶۲)، *اخوان‌الصفاء*، قاهره: مطبعة میمنه.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۶)، *تقریرات*، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: نشر خجسته.

- کورین، هانری (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جواد طباطبایی، تهران: نشر کویر.
- لوفان بومر، فرانکلین (۱۳۸۰)، *جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی*، ترجمه دکتر حسین بشیریه، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- مادولونگ، ویلفرد (۱۳۸۷)، *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مجلسی، مولی محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار(ع)*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۷)، *مثنوی معنوی*، تصحیح محمدعلی مصباح، تهران: اقبال.
- نصر، سیدحسین (۱۳۷۷)، *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*، تهران: انتشارات خوارزمی.

- Black, Antony (2001), *The History of Islamic Political Thought*, Edinburgh: University Press.
- Locke, John (2003), *Two Treatises of Government, and a Letter Concerning Toleration*, New Haven and London: Yale University Press.
- Id. (2005), *Two Treatises of Government*, Edited by Peter Laslett, Cambridge: University Press.
- Rousseau, Jean- Jacques, *The Social Contract*, Translated by Maurice Cranston, London: Penguin Books.
- Tibawi (1955), Ikhwan al- Safa and Their Rasail, *Journal Article*, Vol II.